

روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

سرمایه گذاری برای تولید

پنجشنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۴ | سال سی و سوم | شماره ۹۳۹

حضرت امیر المؤمنین علی:

اندک کاری که بر آن مداومت کنی امیدبخش تر است از کار زیادی که از آن خسته شوی.

■ اذان ظهر: ۱۳:۰۴ ■ غروب آفتاب: ۱۸:۳۹
■ اذان مغرب: ۱۸:۵۸ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۰۹
■ اذان صبح فردا: ۳:۵۹ ■ طلوع آفتاب فردا: ۵:۲۸

■ پذیرش آگهی: ۸۳۳۱۰۰۰

■ چاپ: همشهری

■ تلفن: ۲۸۰۵۰۰۰

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز نوین

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال فرشی، شماره ۱۴

■ کد پستی: ۴۵۹۵۴-۱۹۶۶۴ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵۵۴۴۶

■ تلفن: ۲۲۰۴۰۶۷-۲۲۰۳۲۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۰۶۷

■ همشهری: www.hamshahronline.ir

■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری

■ مدیر مسئول: محسن مهدیان

■ سردبیر: دانیال معمار

■ دبیر تحریریه:

■ سیدمجتبی صادقی

■ معاونان سردبیر:

■ شهرام فرهنگي، علی عمادى

■ شاهین امین، حامد فوقانی

■ مدیر فنی: حامد یزدانی

■ مدیر هنری: مهدی سلامی

■ دبیر عکس: امیر پناهپور

■ سیاسی و دیپلماتیک:

■ مدیر: حسین ارجلو

■ شهرنگار:

■ مدیر: پروانه بهرام‌نژاد

■ دبیر: مریم باقرپور

■ اقتصاد:

■ مدیر: حسین لطفی

■ دبیر: مریم موسی‌پور

■ تماشاگر:

■ مدیر: امیر محمد یعقوب‌پور

■ دبیر: لیلی خرسند

■ ایرانشهر:

■ دبیر: بهار عباسی

■ تندیس:

■ مدیر: عیسی محمدی

■ دبیر: مریم سرخوش

■ سرخ:

■ دبیر: جواد عزیزی

■ دبیر: محمد جعفری

■ دانستنیها:

■ دبیر: ساسان شادمان

■ دبیر: بهار خلجی

■ سرزمین من:

■ دبیر: محمد باریکانی

■ جامعه:

■ دبیر: شهیدمطایبایی

■ گزارش:

■ دبیر: مریم سعیدمیر

■ دبیر: زهرا طاه عسگری‌نیا

■ ۲۴ (سینما و تلویزیون):

■ دبیر: سعید مروی

■ دبیر: علیرضا محمودی

■ صفحه آخر:

■ دبیر: جواد نصرتی

■ طرح و گرافیک:

■ دبیر: محمدعلی حلیمی

تهران‌نامه



دستمزد عجیب

کشت درختان خیابان ولیعصر یکی از مهم‌ترین پروژه‌های شهری تهران بود که بخش بزرگی از این درختان را باغداران روستای کن کاشتنده؛ پروژه‌ای با دستمزدهای حیرت‌آور، ارباب خلیل از شخصیت‌های شناخته‌شده کن و از افراد متمول و صاحب نفوذ در زمان پهلوی اول، پیمانکار کاشت درختان چنار خیابان ولیعصر بود. او برای کاشت درختان از باغداران زبده و باتجربه کن و البته نهال‌هایی که در باغ‌های کن پرورش یافته بودند استفاده کرد و به باغدارانی که با خود برای کاشت درختان برده بود احترام زیادی می‌گذاشت. در آن زمان اصلاً رسم نبود که برای کارگر غذا آماده کنند. معمولاً کارگران همراه خودشان غذای می‌آوردند یا بان و پتیر و... پذیرایی می‌شدند، اما ارباب خلیل اینطور نبود. او هر روز غذاهای خوب برای بچه‌های خودش می‌خرد، یک روز که باغداران مشغول خوردن کباب بودند، رضاشاه سرزده از راه می‌رسد و باغداران را مشغول خوردن چلوکباب می‌بیند و رو به ارباب خلیل می‌کند که با این غذاهای اعیانی دستمزدشان چقدر است. ارباب خلیل هم می‌گوید: قرار شده همین زمین‌های اطراف را بهشان بدهیم؛ امانیه، الهیه، زعفرانیه و...

البته آن زمان زمین‌های امانیه، الهیه و زعفرانیه ارزش زیادی نداشتند و به همین دلیل باغداران بعد از اتمام کار به جای پول گرفتند. گفته می‌شود در دوسوی مسیر ۱۸ کیلومتری خیابان در مجموع ۱۸ هزار چنار کاشته شد. برخی این تعداد را تا ۲۴ هزار اصله نیز برآورد کرده‌اند.



تهران مصور

جردن در دهه ۴۰



عکس زیر خاکی از خیابان مدرن و لوکس پایتخت را ببینید؛ محله‌ای که در دهه ۴۰ به دلیل آرزایی زمین‌های اطرافش، سازندگان را بر آن داشت که در آن برج‌های لاکچری بسازند. نام خیابان جردن اشاره‌ای است به نام ساموئل مارتین جردن، مدیر مدرسه البرز. دکتر جردن در سال ۱۲۷۸ خورشیدی ریاست مدرسه را که آن زمان به نام کالج آمریکایی‌ها بود، به‌عهده گرفت. از همان زمان این دبیرستان، شاهد تغییر و تحولات قابل ملاحظه‌ای شد. کلاس‌های مدرسه اضافه شد و تا سال ۱۲۹۲ تبدیل به دبیرستان ۱۲ ساله کامل تحصیلی شد. تا سال ۱۳۱۹ که به دستور رضاشاه به مبلغ یک میلیون تومان خریداری شد و نام آن به البرز تغییر کرد. دکتر جردن سال‌های ۱۲۷۷ تا ۱۳۱۹ مدیر مدرسه البرز بود. نام خیابان جردن نیز مدتی به آفریقا و در سال‌های اخیر به نلسون ماندلا تغییر کرد.

نام خیابان جردن اشاره‌ای است به نام ساموئل مارتین جردن، مدیر مدرسه البرز. دکتر جردن در سال ۱۲۷۸ خورشیدی ریاست مدرسه را که آن زمان به نام کالج آمریکایی‌ها بود، به‌عهده گرفت.

فاطمه عباسی

به فکر خودمان رسید یا از فرهنگی‌ها یاد گرفتیم که آرد، شکر و روغن را قاتی کنیم و شیرینی بی‌زیرم هنوز کسی چیزی نمی‌داند، هر چه هست در دوره قاجار شیرینی به شکل امروزی‌اش وجود نداشت و مردم با همان نقل و نبات خوش بودند. تا سده چهاردهم خورشیدی نرسید، خبری از شیرینی‌های امروزی نبود و کسی چنین خوراکی‌ای را نمی‌شناخت. دوره قاجار دکان‌هایی بودند که نقل و نبات و قند می‌فروختند. به این دکان‌ها «قناد» می‌گفتند. تا اینکه دوره پهلوی اول رسید و کارخانه قند



قدیمی‌های آشنا

آنهایی که قنادی قدیمی آذربایجان در خیابان ولیعصر (عج) را می‌شناسند خوب یادشان هست که نخستین بار نون خامه‌ای‌های بزرگ در این قنادی به فروش رسیدند و همچنین نخستین بار در تهران این قنادی از یخچال و یتریبی بزرگ برای نگهداری شیرینی‌ها استفاده می‌کرد و به «قنادی حسین یخچالی» معروف شد. شیرینی‌فروشی عرب‌زاده هم یکی از قنادی‌های قدیمی تهران است که تنها شیرینی مربایی و شکری می‌فروخت. آن زمان مرسوم بود که شیرینی‌ها را به‌صورت سیار در محله‌ها به فروش می‌رساندند تا

وقتی تهران شیرین شد

تاریخچه مختصر و شیرین برخی از قنادی‌های معروف و قدیمی تهران که هنوز پابرجا هستند

ساخته و آن قدر قند زیاد شد که قند فروش‌ها به فکر شیرینی‌پزی افتادند و مردم هم به اندازه‌ای از شیرینی‌ها خوششان آمد که شمار شیرینی‌پزهای تهران روز به روز بیشتر و بیشتر و محله‌های پایتخت پر شد از قنادی. می‌گویند قدیمی‌ترین قنادی تهران که اکنون تنها نامی از آن در یادها مانده، «ارد بی‌هشت» نام داشته و بانی آن کسی به نام غلامحسین بغدادی بوده، اما معلوم نیست این قنادی قدیمی در کدام محله تهران بوده و چه سرنوشتی پیدا کرده است. به جز آن اما، قنادی‌های قدیمی زیادی در تهران وجود دارد که هنوز هم پابرجا هستند و شیرینی‌هایشان مثل گذشته مزه بهشت می‌دهند.

قنادی بهار

مکت

قنادی بهار از قدیمی‌ترین و اصیل‌ترین شیرینی‌فروشی‌های تهران است که سال ۱۳۱۷ در محله سرچشمه تهران تأسیس شد. صاحب این قنادی علی‌اکبر ماها نام داشت که همه او را با نام بهار می‌شناختند. مغازه بهار جایی برای درست کردن شیرینی‌های سنتی‌ای بود که در میان تهرانی‌ها آوازهای بسیار داشت. یکی از مشتری‌های همیشگی قنادی بهار، دکتر محمد مصدق، مادر و همسرش بودند. هنگامی هم که جشنی در مجلس شورای ملی برگزار می‌شد، شیرینی‌اش را به قنادی بهار سفارش می‌دادند و آنها هم با کامیون شیرینی‌ها را به مجلس می‌بردند. در تاریخچه این قنادی قدیمی آمده که بعد از بازگشت یک شیرینی‌پز ماهر از روسیه به ایران (بعد از انقلاب اکتبر) و با اضافه شدن شیرینی‌های کراهی روسی به منو، محبوبیت این قنادی به سطح جدیدی رسید. قنادی بهار شیرینی‌های سنتی برنجی هم می‌فروخت که با روغن کرمانشاهی و کره حیوانی درست می‌شد. یک شیرینی دیگرش «پادرازی» نام داشت و می‌گویند اقتدر خوشمزه بود که سفارت ایتالیا خریدار اصلی آن بود و نخست‌وزیر آن کشور بی‌دری سفارش شیرینی‌های پادرازی قنادی بهار را می‌داد و سفارت ایتالیا در تهران جعبه جعبه برای او می‌فرستاد.



اینکه در سال ۱۳۲۰ شیرینی‌فروشی‌های معمول ایجاد شد. در بازارچه میدان وحدت هم یکی از قدیمی‌ترین شیرینی‌فروشی‌های تهران واقع شده است. «شیرینی‌فروشی برقی» دارای سابقه زیادی است و از آنجا که سرعت عمل در دادن شیرینی به مردم زیاد بود، هنگامی که ثبت‌احوال برای ثبت فامیلی به این مغازه آمد، پیشنهاد شد که از کلمه برقی استفاده کنند و حال‌نسل چهارم این خانواده در این قنادی مشغول به‌کار است. نکته قابل توجه این است که در آن زمان که پخت زولبیا و بامیه بسیار سخت بود و حتی در خاطرات ناصرالدین‌شاه آمده است که آشپز مخصوص یخت زولبیا و بامیه داشت. این قنادی زولبیا و بامیه‌های خوب و معروفی می‌پخت که در کل تهران شهرت داشت.



قنادی هانس

سابقه قنادی هانس به دهه ۱۳۴۰ برمی‌گردد و گفته می‌شود که مؤسس آن یک فرد آلمانی بوده و بعدها شیرینی‌پزی را به یک خانواده آلمانی می‌فروشد. آنها هم شیرینی‌پزی به سبک اروپایی را ادامه می‌دهند و روز به روز به مشتریان شیرینی‌های خوشمزه قنادی هانس اضافه می‌شود. دستور پخت‌های خاص قنادی هانس و طعم بی‌نظیر کیک‌ها و شیرینی‌هایش باعث شده که به بعدازظهر نکشیده یخچال خالی شود. برای همین اغلب مشتری‌ها پیش از مراجعه تماس می‌گیرند تا ببینند احیاناً چیزی از کیک‌ها و شیرینی‌ها برای خرید باقی مانده است یا نه.



قنادی مینیون

مکت

مغازه‌ای قدیمی که روزگاری محل رفت‌وآمد رجال و افراد سرشناس پایتخت بود هنوز هم با توفق بسیاری از هنرمندان و افراد معروف است؛ مغازه‌ای دنج با دکوری خاص و اصیل که گردشگران را به حال و هوای تهران قدیم می‌برد و بوی خوش شیرینی و شکلاتش از چند فرسخی مشامشان را بر می‌کند. قنادی مینیون که ثبت ملی هم شده، سال ۱۳۰۹ یعنی بعد از انقلاب کمونیستی شوروی ابتدا در قالب نانواپی شکل گرفت. در واقع آن دوران فردی از اهالی اوکراین به نام تربوگسیان خانواده‌اش را به ایران می‌فرستد و خود نیز بعد از مدتی به ایران مهاجرت می‌کند و با زکرن کردن یک نانواپی مشغول به‌کار می‌شوند. بعد از جنگ جهانی دوم هم نانواپی تبدیل به شیرینی‌پزی شده و نام مینیون روی آن گذاشته می‌شود. مینیون به معنی زیبا و بازمه است. در آن دوران همه خانواده دست به‌دست هم دادند تا این قنادی اسم و رسمی به هم بزنند و در حال حاضر تنها بازمانده این خانواده روبین تربوگسیان است که همراه همسرش قنادی مینیون را اداره می‌کنند. این قنادی البته به‌خاطر شکلات‌های دست‌سازش هم مشهور است. این شکلات‌ها با روش قدیمی و به سبک فرانسوی تهیه می‌شوند و به گفته مشتریان لذیذترین قسمت قنادی مینیون، همان یخچال شکلات‌ها در انتهای قنادی است.

جمهوری شهر فرنگ پایتخت



در بررسی تاریخ برخی محله‌ها و خیابان‌های پایتخت، گاهی یک ماجرای تاریخی آنجا را مهم جلوه می‌دهد و گاهی خیابان، مدرسه و مسجدی و حتی گاهی فرزانه و فرهیخته‌ای که خانه‌اش در آن کوی و برزن است، باعث می‌شود آن خیابان یا محله، سر زبان‌ها بیفتد. اما برخی خیابان‌ها و محله‌های شهر مثل خیابان و محله جمهوری، همه چیز تمام‌اند؛ از کوچه، میدان، مسجد و مدرسه‌اش گرفته تا نویسنده و هنرمند و روحانی‌اش، همه و همه مهم و تاریخی‌اند و می‌توانند جور تاریخی کل پایتخت را به دوش بکشند.

تنها همان میدان بهارستان که در شرقی‌ترین بخش خیابان جمهوری جا خوش کرده، می‌تواند کل وقایع عهد قاجار و مشروطه را برای تو تعریف کند. کمی جلوتر، آیت‌الله طالقانی در مسجد هدایت برایت سخنرانی می‌کند و کمی آن سوتر، می‌توانی در کافه‌نادری، پهلوی بگیری و در جوار آل احمد و هدایت، جای بنوشی و نفسی تازه کنی. خلاصه خیابان جمهوری، شهر فرنگ پایتخت است که می‌توانی در آن، حوادثی از همه رنگ را ببینی.

تاریخش

خیابان جمهوری با بیش از ۵ کیلومتر طول در گذشته لااقل از ۴ خیابان تشکیل شده بود. به محدوده میدان بهارستان تا تقاطع با خیابان سعدی، شاه‌آباد می‌گفتند؛ از تقاطع سعدی تا تقاطع فردوسی را استانبول نامیده بودند؛ از فردوسی تا چهارراه ولیعصر (عج) به خیابان نادری معروف بود و از ولیعصر تا خیابان رودکی، خیابان شاه بود. اما شاید تاریخی‌ترین و قدیمی‌ترین بخش این خیابان، همان شرقی‌ترین آن باشد؛ یعنی محدوده میدان بهارستان که آغارش به زمان جلوس فتحعلی‌شاه قاجار در کاخ نگارستان بازمی‌گردد که به آنجا جلو باغ می‌گفتند.

مسجد هدایت

پیداکردن مسجد هدایت در این روزهای خیابان جمهوری، کمی سخت است؛ چون نه گنبدی به چشم می‌آید و نه مناره‌ای. در محدوده تقاطع خیابان سعدی و خیابان فردوسی، مسجدی با بیش از ۸۰ سال جا خوش کرده و همچنان پذیرای نمازگزاران است. شاید انقلابی‌ترین بخش خیابان جمهوری، همین مسجد هدایت باشد؛ چون اینجا پای سخنرانی‌های انقلابی امام جماعتش، ابودر زمانش، آیت‌الله طالقانی نشسته و حتی دستگیری او و دیگر انقلابی‌ها را به چشم دیده است.

در این بخش از خیابان جمهوری، ساختمان پلاسکو هم اهمیت ویژه‌ای دارد. این ساختمان در سال ۱۳۴۱ با اسکلتی فلزی و در ۱۷ طبقه، به‌عنوان یکی از بلندترین آسمانخراش‌های آن روزگار گشایش یافت که در اثر آتش‌سوزی سال ۱۳۹۵، سوخت و حالا دوباره در این خیابان، بلندبالا ایستاده و فعال است.

کافه‌نادری

در بخش سوم خیابان جمهوری، خاطره‌های کافه نادری، شیدنی‌ترین بخش این خیابان است. اگر کافه‌نادری روزی به حرف بیاید، از رفت‌وآمدها و گپ و گفت‌های هنرمندان و روشنفکرانی خواهد گفت که در دهه ۴۰ خورشیدی این سرزمین، نقش بسزایی داشتند. این کافه را مردی ارمنی به نام خاجیک مادیکیانس برپا کرده، اما باعث و بانی شور و حرارت و بحث‌های شبانه آن، کافه‌نشین‌های آنجا بودند؛ بزرگانی چون نینما یوشیج، آل احمد، فروغ فرخزاد، ابراهیم گلستان و... در نزدیکی کافه، کلیسای ادونتیسیت در سال ۱۳۲۸ در این خیابان بنا شده بود که حالا دیگر اثری از آن باقی نیست. سینمایفل هم در سال ۱۳۲۷ در این بخش از خیابان جمهوری گشایش یافت.

این روزهایش

خیابان جمهوری، این روزها یکی از خیابان‌های مرکزی و پرتردد پایتخت است و بخش‌های غربی‌تر آن به بورس کالاهای الکترونیکی و تلفن همراه تبدیل شده است.

